

دو کوهه پیشرفت

«جزوه زمانه تحول»



«زمانه تحول»

براساس مجموعه گفت‌وگوها و مقالات پیرامون اهمیت و ضرورت تحول در مسیر گام دوم انقلاب

تهیه و تنظیم: مرکز گفتمان‌سازی گام دوم؛ دوکوهه پیشرفت

دی ماه ۱۴۰۱

۱. مقدمه

یکی از چالش‌های امروز بسیاری از افراد معتقد به انقلاب اسلامی به این موضوع مهم برمی‌گردد که افراد نسبت خود با زمانه‌ای که در آن قرار گرفته‌اند را فهم نکرده و مناسبات و اقتضائات آن را تشخیص نداده‌اند. چالش‌هایی از قبیل اینکه «آیا ما انسان انقلابی هستیم یا نه؟»، «آیا می‌توان کار اثرگذاری انجام داد یا نمی‌توان؟» و ... گواه همین امر است. در اهمیت فهم زمانه، احادیث زیادی را می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ احادیثی به این مضمون دلالت دارد که برای آگاهی انسان، همین شناخت زمانه کفایت می‌کند؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «حَسْبُ الْمَرْءِ ... مِنْ عِرْفَانِهِ، عِلْمُهُ بِزَمَانِهِ^۱». همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورده شده است: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ^۲»؛ خردمند، باید زمان خود را بشناسد. دنیایی که در ۱۰ سال آینده با آن مواجه هستیم نسبت به دنیایی که امروز در آن زیست می‌کنیم دنیای بسیار متفاوتی خواهد بود؛ همانطور که ۱۰ سال پیش که هنوز شبکه‌های اجتماعی آنلاین با این تنوع و قدرت وجود نداشت با امروز که زندگی اکثر مردم در این شبکه‌های اجتماعی معنا می‌شود، خیلی متفاوت بوده است؛ به‌نحوی که امروز وقتی از «صله رحم»، «تحصیلات»، «کار تشکیلاتی» سخن به میان می‌آید، بخش قابل توجهی از این امور در شبکه‌های اجتماعی در حال تحقق است و تصور تحقق برخی از این امور همچون کارهای تشکیلاتی بدون استفاده از این شبکه‌ها اساساً امکان‌پذیر نخواهد بود. لذا بسیاری از شاخص‌ها و شیوه‌های رفتار فردی، گروهی، جمعی، تشکیلاتی، کسب‌وکاری و ... دستخوش تغییر شده است. ما در آینده با دنیایی مواجه خواهیم بود که شبیه به همین وضعیت در آن رخ خواهد داد؛ لذا باید خیز جدیدی برداشت و حرکت نویی را شروع کرد که با دنیای جدید پیش رو تناسب داشته باشد و پیش‌بری انقلاب اسلامی با شاخص‌های گذشته، امکان‌پذیر نخواهد بود و جریان دیگری برای ادامه این حرکت باید شکل بگیرد.

^۱ کشف الغمّة: ج ۳ ص ۱۳۷ عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۸۰ ح ۶۶.

^۲ الخصال: ۱۳ / ۵۲۵، معانی الأخبار: ۳۳۴ / ۱، الأملی للطوسی: ۵۴۰ / ۱۱۶۳، مکارم الأخلاق: ۲ / ۳۸۳ / ۲۶۶۱ کلها عن أبي ذرّ، بحار الأنوار: ۷۱ / ۲۷۹ / ۱۹؛ صحیح ابن حبان: ۲ / ۷۸ / ۳۶۱ عن أبي ذرّ، کنز العمال: ۱۶ / ۱۳۳ / ۴۴۱۵۷.

۲. چیستی تحول

تحول جوامع انسانی از منظر مقام معظم رهبری امری حتمی، غیرقابل انکار و راز ماندگاری جوامع انسانی است؛ لکن این تحول گاه رو به پیشرفت است و گاه رو به پسرفت اما مهم این است که سر رشته این تحول به دست خود انسان‌ها است. ایشان در این باره بیان داشته‌اند:

«آیه معروفی است: «انَّ اللّٰهَ لَا یَغۡیۡرُ مَا یَقۡوۡمُ حَتّٰی یَغۡیۡرُوا مَا بِأَنۡفُسِهِمۡ»^۱. تغییرات به دست شماست. کلید تحولات اجتماعی و تحولات عظیم در دست شماست. خلاصه این‌ها این است که شما آحاد انسان، سررشته‌دار تحولات جامعه هستید؛ شما هستید که تحول و تغییر را ایجاد می‌کنید. عزم انسان، تعیین‌کننده است. بعضی ممکن است بگویند منظور از عزم انسان چیست؟ اراده چه کسی؟ اراده من یک نفر، توی یک نفر، اراده چه کسانی مؤثر است؟ فی‌الجمله عرض بکنم که عزم یک‌یک انسان‌ها در حد خودش تأثیر دارد؛ نه فقط در مسائل شخصی - که تأثیر تام دارد - بلکه در مسائل اجتماعی. ما اگر چنانچه آرزوهایمان، هوس‌هایمان، هواهای نفسانیمان در فعالیت‌هایمان حاکم شوند و در رفتار ما، عقل کنار بیاید و محاسبه درست کنار زده شود، این کار در ایجاد یک سلسله تحولات منفی در جامعه تأثیر می‌گذارد^۲... حالا تحول یعنی چه؟ تحول چرا؟ مگر بناست تغییر اتفاق بیفتد؟ بله. تحول در جوامع انسانی و برای بشر، سنت لایتغیر الهی است. هیچ‌کس نمی‌تواند در مقابل تحول بشری بایستد؛ امکان ندارد. دیر یا زود، یکی پس از دیگری، تحولات بشری اتفاق می‌افتند. این راز ماندگاری و راز تعالی بشر است. اصلاً خدا بشر را این طور قرار داده است که ایستایی در طبیعت انسان نیست. در بشریت تحول حتمی است. با تحول ناپیوستگی مقابله کرد؛ تحول را نباید انکار کرد. و باید به سوی تحول - به همان معنایی که عرض خواهم کرد - به شکل درست حرکت کرد. در مقابل تحول چه هست؟ رکود. نقطه مقابل تحول، رکود است^۳. آنچه خوب و درست است، جامعه با ثبات، اما غیر راکد و دارای تحول است؛ جامعه‌ای که حتی تحولات صحیح را سریع در خودش به وجود بیاورد.^۴»

^۱ قرآن کریم، سوره رعد، آیه ۱۱.

^۲

^۳ ادامه بیانات: بعضی این‌ها را غلط می‌فهمند و اشتباه معنا می‌کنند. بعضی رکود را با ثبات اجتماعی اشتباه می‌کنند. رکود، بد است؛ ثبات اجتماعی خوب است. بعضی خیال می‌کنند که رکود یعنی ثبات اجتماعی. تحول را هم بعضی با آنارشیزم و هرج و مرج و هر چی به هر چی بودن، اشتباه می‌کنند. این اشتباهات موجب شده است که یک عده‌ای که طرفدار ثبات اجتماعی اند، با هر تحولی مخالفت کنند؛ به خیال اینکه این تحول، ثبات را به هم می‌زند. از طرف دیگر، کسانی که خیال می‌کنند هر تحولی به معنای ساختارشکنی و شالوده‌شکنی و زیر سؤال بردن همه اصالت‌هاست، اینها هم برای اینکه تحول ایجاد کنند، ثبات اجتماعی را از بین می‌برند.

^۴ بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸.

۳. زمانه تحول و تفکر پیرامون مسائل

وضعیت امروز انقلاب، وضعیتی است که نیازمند یک تکانه، نهضت و جوششی جدید متناسب با دوران جدید برای ادامه مسیر است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این جریان جدید، حرکت تحولی آن است؛ امروز در بسیاری از شاخص‌های پیش‌بری انقلاب اسلامی، نیازمند تحول و دگرگونی گسترده هستیم. امروز در وضعیتی قرار داریم که در آن می‌توانیم به پدیده‌هایی همچون شهر، نظام آموزش، نظام سلامت و ... فکر کنیم. در ۱۰۰ سال پیش شهرها به این شکلی که امروز هستند، وجود نداشت؛ چنانکه نظام آموزشی و نظام سلامت ما در آن زمان با امروز تفاوت‌های اساسی داشته‌اند. اساساً سبک زندگی ما که شهرسازی و معماری، نظام آموزشی، نظام سلامت و ... از شئون آن بوده‌اند، به نحو دیگری بود و ساختار شهری، آموزشی و بهداشتی متفاوتی بر آن حکم فرما بود. به‌عنوان مثال، نظام سلامت در ۱۰۰ سال پیش، به جای درمان، ابتناء بر پیشگیری داشته است و حکیم صرفاً درمانگر نبوده است؛ بلکه کسی بود که جامعه را به سمتی هدایت می‌کرد که کم‌ترین بیماری در آن وجود داشته باشد و مسأله اصلی عدم شکل‌گیری بیماری در جامعه بوده است و لذا تغذیه اهمیت زیادی داشته است، اما امروز بیمار و دارو رکن اصلی نظام سلامت هستند و ما با پدیده‌ای به نام بیمارستان مواجه هستیم که در گذشته وجود نداشته است. امروز تغذیه جایگاه کلیدی در نظام سلامت ندارد؛ شما می‌توانید هرچه خواستید مثل ساندویچ‌های سرد، نوشابه، فست‌فود و ... بخورید و لذت ببرید اما پس از آن بیمار می‌شوید و باید در بیمارستان درمان می‌شوید. امروز ما در زمانه‌ای هستیم که باید مبتنی بر فهم جدید از این نظامات، به دنبال تحول در آن‌ها از طریق نهضت و تکانه‌های اجتماعی باشیم؛ نهضتی که انگیزه‌ها، عزم‌ها، فکرها و توان‌ها را به میدان آوردن آن‌ها شکوفا و خلاق می‌کند؛ ما در زمانه تحول و قیام هستیم، چراکه ولی‌امت، به مردم نامه نوشته و با تبیین اینکه عصر و عالم جدیدی در حال رقم خوردن است و ریل حرکت کشور از توسعه به پیشرفت باید تغییر کند و باید تحولی رقم بخورد و چشم امید به جوانان در تحقق آن دارد، به جوانان فرمان داده است که به برپاخیزید و حماسه بیافرید و در نظم جدید دنیا، پیرامون جایگاه ایران به تفکر پردازند.

۴. زمانه تحول در بیانیه گام دوم

تغییرات اجتماعی برنامه‌ریزی شده شکل منقح و سازمان یافته قصد و نیت تمام مصلحان و رهبران اجتماعی است. رهبران و مصلحان اجتماعی با شناخت نابسامانی موجود و فاصله از جامعه ایده‌آلی که در ذهن خود سراغ دارند، درصدد تغییر جامعه و حرکت دادن آن از وضع موجود به وضع مطلوب هستند. رهبر معظم انقلاب نیز به عنوان یک رهبر و مصلح اجتماعی با عنایت به وضع موجود نظام جمهوری اسلامی ایران و شناخت و احاطه به آن، با صدور بیانیه گام دوم در سال ۱۳۹۷ ضمن فراخوانی جوانان، به عنوان مخاطب اصلی بیانیه، برای رسیدن به آرمان بزرگ انقلاب که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (عج) است، با ارائه توصیه‌هایی به آنها پیمودن مسیر از وضع موجود به وضع مطلوب را هموار نموده‌اند. از بعد دیگر، بیانیه گام دوم ضمن اینکه یک تغییر اجتماعی برنامه‌ریزی شده است، در پی ایجاد تغییرات اجتماعی از پائین نیز است. با توجه به اینکه مقام معظم رهبری در بیانیه، رکود و خموشی انقلاب اسلامی را به عنوان یکی از مسائل اجتماعی در گام دوم انقلاب مطرح می‌نمایند و از سوی دیگر در همین بیانیه اشاره دارند که چالش درونی این انقلاب عیوب ساختاری و مدیریتی است، قاعدتاً نظریه نظام انقلابی را به عنوان راهکار علاج این مسائل و چالش‌ها می‌دانند، چرا که به واسطه این نظریه، همواره جوانان که مخاطب اصلی بیانیه گام دوم هستند از سوی ایشان تشویق به جوشش انقلابی شده و مجوز پیگیری تغییرات عیوب ساختاری و نظارت و کنترل بر ضعف‌های مدیریتی نظام انقلاب اسلامی را از پایین دریافت کرده‌اند. اما بایستی توجه کنیم که وقوع این امر منوط به ایجاد حرکت‌های مردم‌پایه در بین جوانان کشور است. حال سؤال اساسی این است که چگونه حرکت‌های مردم‌پایه در بین جوانان به جنبش و پویا می‌افتند؟ آیا باید منتظر باشیم خود به خود به وجود بیایند و یا قابلیت سازمان‌دهی دارند؟ آیا در حوزه‌های مختلف می‌تواند ایجاد شود یا فقط در یک حوزه؟ رهبرانقلاب در خردادماه ۹۸ به صورت مبسوط به بیان مفهومی به نام «جریان‌های حلقه‌های میانی» پرداختند. با توجه به مجموع مباحثاتی که پیرامون مفهوم «حلقه‌های میانی» صورت گرفته، می‌توانیم حلقه‌های میانی را جریانی بین امام امت و آحاد مردم در نظر بگیریم که در این سطح نقش‌آفرینی می‌کنند. به این معنی که حلقه‌های میانی به مثابه پیشران‌های جامعه، نقش موتور محرک و پیش‌برنده جامعه را ایفا می‌کنند. بنابراین خاستگاه حلقه‌های میانی، مردم و ملت هستند. در ادامه رهبر انقلاب تاکید می‌کند: «تشکل‌های دانشجویی از این قبیلند ... زمام کار، دست کسانی است که فعالیت کنند؛ تنبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند این‌ها به درد نمی‌خورد».

۵. زمانه تحول و عصر روایت‌ها

۱-۶. زمانه روایت و جنگ شناختی

امروزه بسیاری از متفکرین بر این باور هستند که بشر پس از عصر ارتباطات، در دوران جدیدی از تمدن غرب قرار گرفته است و این دوران پسا عصر ارتباطات را، «عصر روایت» نام‌گذاری کرده‌اند؛ چنانکه پیش‌تر عصر هیومنیتیسم و بشر غربی، عصر پروتستانیسیم و اصلاحات دینی، عصر رنسانس و روشنگری، عصر انقلاب صنعتی، عصر رمانتیسم و جنبش‌های هنری، عصر پست‌مدرنیسم و در نهایت ارتباطات. وضعیتی که امروز در آن قرار گرفته‌ایم، وضعیتی جدیدی است که تعابیر مختلفی درباره آن بیان شده است که مهم‌ترین آن‌ها جنگ شناختی و عصر (جنگ) روایت‌ها است. بسیاری از آینده‌پژوهان در آینده نزدیک، پدیده‌هایی همچون متاورس، واقعیت افزوده، اینترنت اشیا، گوگل گلس و ... که وقتی انسان با آن‌ها مواجه می‌شود، مسائل حوزه شناختی و روایت‌ها اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. امروز جنگ‌ها بیش از آنکه ناظر به وجه سخت آن باشد، به سمت وجوه نرم آن سوق پیدا کرده است و جنگ روایت‌ها را امروز باید مهم‌ترین وجه جنگ‌ها حتی جنگ‌های سخت دانست و مفاهیمی از قبیل گفتمان‌سازی، تنازع گفتمان‌ها، مدیریت گفتمان‌ها، نقش رسانه‌ها و ... از مؤلفه‌های مهم آن به شمار می‌آیند. در این موضوع، کتاب‌های بسیاری توسط متفکرین نگاشته شده است و دانشکده‌های بسیاری در سراسر جهان به پا شده است تا پدیده روایت‌ها و مسائل شناختی آن از قبیل چگونگی شکل‌گیری روایت‌ها، چگونگی تنازع روایت‌ها، چگونگی غلبه پیدا کردن روایت‌ها، ویژگی‌های روایت غلبه یافته، چستی روایت دست‌اول و... را مورد بررسی قرار دهند. بنابراین، زمانه ما زمانه جنگ روایت‌هاست و البته هدف این جنگ روایی، ادراکی و شناختی برهم‌زدن دستگاه تحلیلی افکار عمومی و تصمیم‌گیری او در جهت معادلات و منافع استعمار و استکبارگران است.

۲-۶. روایت مسیر انقلاب در بیانیه گام دوم

امروز، به دلیل فعالیت‌های دشمن در این عرصه علیه انقلاب اسلامی، جنگ روایت‌ها برای انقلاب اسلامی اهمیت زیادی پیدا کرده است، چنانکه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ساختار بخش اول آن پیرامون جنگ روایت‌ها و پرداختن به این است که روایت از مسیری که انقلاب اسلامی طی کرده است چیست و چه باید باشد. در بیانیه گام دوم، مقام معظم رهبری تلاش کرده‌اند روایتی از انقلاب اسلامی ارائه دهند و مداوم به آن اشاره

می‌کنند که دشمن به دنبال آن است به این روایت خدشه وارد کرده و روایت دیگری را جایگزین آن کند. چنانکه در بخشی از بیانیه ذکر می‌کنند:

«آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست‌وپنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود»^۱.

امروز، جبهه انقلاب در تنازع روایت‌ها دچار بحران روایت است و برای این چالش باید فکر و عزم جدی شکل گیرد. چراکه حرکت این جبهه در ارائه روایت انقلاب اسلامی در حوزه‌های گوناگون، متناسب با حجم هجمه‌های شناختی دشمن نیست؛ هجمه‌هایی هر کدام از آن‌ها می‌تواند لرزه‌های بنیادین در حوزه شناختی جامعه و ملت ایران به جای می‌گذارد.

۳-۶. جنگ روایت‌ها و فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی

اساساً انقلاب اسلامی از شروع آن، درگیر جنگ روایت‌ها بوده است و مهم‌ترین تقابل را حول محور دفاع مقدس می‌توان فهم کرد؛ آنجا که روایت فتح، به‌عنوان روایتی دست‌اول از جنگ ایران و عراق، با رویکرد انقلاب اسلامی شروع به روایت‌گری می‌کند، و جالب آنکه روایت فتح بیش از آنکه به فتوحات سرزمینی و پیروزی‌های رزمندگان در برابر رژیم بعث بپردازد، برایش فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی در دفاع مقدس اهمیت دارد. این فتح‌الفتوح به تعبیر امام خمینی علیه‌السلام، تربیت انسان‌هایی است که توانسته‌اند در این وضعیت دشوار و با دست خالی بر شرایط غلبه کنند و وارد فرایند کمال و تعالی شوند و در این مسیر به انسانی در تراز عرفان اسلامی تبدیل شوند. این روایت از جنگ را امام علیه‌السلام زمانی مطرح می‌کند که در جریان عملیات طریق‌القدس^۲، ایران برای بار اول به یک

^۱ بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.

^۲ عملیات طریق‌القدس از بزرگترین دستاوردهای تاریخ دفاع مقدس است که با اتحاد و یکپارچگی سپاه پاسداران، ارتش و جهادسازندگی شکل گرفت و سبب آزادسازی بستان و شکست نیروهای دشمن شد. این عملیات به منظور آزادسازی شهر «بستان» و تأمین مرز و دسترسی به هورالهبویه طراحی شده بود.

پیروزی قابل‌اعتنا دست پیدا می‌کند. پس از آنکه در طی نامه‌ای این پیروزی را به اطلاع امام خمینی علیه‌السلام می‌رسانند، ایشان در جواب این نامه بیان می‌دارند که فتح‌الفتوح واقعی تربیت این جوان‌هاست. مقام معظم رهبری از این اتفاق در نسبت با امروز جامعه ایران چنین یاد می‌کند:

امام بزرگوار ما در یک حادثه مهم جنگی - که خیلی از شماها آن وقت شاید متولد هم نشده بودید - در قضیه یکی از عملیات که پیروزی‌ای به دست رزمندگان آمده بود، یک پیامی دادند. در آن پیام این نکته وجود داشت که فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی، تربیت این جوان‌هاست. همه توقع داشتند که امام بگوید این پیروزی‌ای که شما به دست آوردید، فتح‌الفتوح است؛ از آن پیروزی ستایش کند؛ امام نه، از رزمندگان تشکر کردند. اما گفتند فتح‌الفتوح انقلاب ما تربیت این جوان‌هاست؛ که در آن شرایط دشواری که همه دنیا در مقابل ما با چهره دژم و سلاح آماده شلیک ایستاده بودند، این‌ها توانستند یک چنین پیروزی بزرگی را به دست آورند؛ عملیات طریق‌القدس بود. من همین را تکرار می‌کنم: فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی این‌هاست. پیشرفت واقعی این است که جوان‌های ما، نخبگان ما نسبت به آینده احساس مسئولیت کنند؛ برای خودشان دیدگاه تعریف کنند؛ برای کشور آینده‌ای را تصویر کنند و مجسم کنند و احساس کنند و این احساس را اظهار کنند؛ که آماده‌اند برای رسیدن به این آینده، تلاش کنند^۱.

مبتنی بر این اتفاق، تا امروز دو روایت و دو جریان بزرگ رقیب حول جنگ ۸ساله در ایران شکل گرفته است. جریانی که روایت فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی از جنگ ارائه می‌دهد و به انسان تربیت‌شده در انقلاب و جنگ می‌پردازد؛ افراد و مجموعه‌های برجسته‌ای چون مقام معظم رهبری، شهید سیدمرتضی آوینی و مجموعه روایت فتح، حاج حسین یکتا و مرحوم حجت‌الاسلام عبدالله ضابط در مجموعه راهیان نور، مرتضی سرهنگی و هدایت‌الله بهبودی در مجموعه حوزه هنری و ... جریان روایت فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی را در دفاع مقدس شکل می‌دهند. در مقابل جریان روایت فتح‌الفتوح، جریان رقیبی قرار دارد که عمدتاً منتسب به روشنفکران غرب‌گرا است روایت این جریان از دفاع مقدس، همچون روایت جنگی در کنار سایر جنگ‌های مرسوم دنیاست؛ جریان قدرتمندی که دارای نهادها و صنایع فرهنگی بسیاری از قبیل سینما، روزنامه، کتاب و ... است. در نزد این جریان، جنگ یکی از موقعیت‌های دراماتیک برای ساخت آثار هنری است و در هر جنگی پیروزی‌ها، شکست‌ها، کشته‌ها، فداکارهای وطن، قهرمان‌ها و ... وجود دارد که می‌توان از آن‌ها آثار هنری ساخت مانند جنگ‌های آمریکا که آثار

عملیات طریق‌القدس عملیات تهاجمی نیروهای مسلح ایران، در خلال جنگ ایران و عراق بود، که در آذرماه ۱۳۶۰ به مدت ۸ روز در مناطق دشت‌آزادگان، بستان و سوسنگرد، در استان خوزستان، انجام شد.

^۱ بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۱/۰۷/۱۲.

هنری زیادی از آن‌ها ساخته شد. نمونه‌های دیگر از تنازع روایت‌ها در جامعه ایران را در حوادث و فتنه سال ۸۸ می‌توان سراغ گرفت که حول آن دو جریان گفتمان‌ساز در جامعه شروع به تولید روایت‌ها متفاوت و متضاد از یکدیگر کردند. دو جریان بزرگ روایت، تا امروز نیز با یکدیگر در نزاع هستند و اقشار مختلف جامعه ایران تربیت‌شده یکی از روایت‌های یکی از دو جریان هستند؛ به این معنا که در بستر این تنازع روایت‌ها تربیت شده‌اند. بنابراین این روایان و روایت‌هایی که ارائه می‌دهند از هر دو جریان گفتمان‌ساز، نقش تعیین‌کنندگی در وضعیت اجتماعی دارند و چگونگی ارائه روایت از پدیده‌ها را مدیریت می‌کنند.

۶. نسبت تحول با عدالت و پیشرفت

عدالت و پیشرفت، نرم‌افزار این تحول است و لذا نسل جدیدی که بار این امر مهم به دوش آن‌ها سپرده شده است، همواره باید به این نرم‌افزار متذکر و مجهز باشند. بر این اساس، لازم است که «جهاد» به تمام عرصه‌ها ورود پیدا کند و معنا یابد؛ به این معنا که «روحیه جهاد» می‌تواند عرصه‌های گوناگونی همچون سلامت، علم، نظام شهرسازی، آموزش و پرورش، نهاد حوزه و دانشگاه و ... را دگرگون کرده و در آن‌ها انقلاب و تحول ایجاد کند.

«این تحول برای چیست؟ برای پیشرفت. پیشرفت چیست؟ باید آن را معنا کنیم. اولاً این سؤال را باید از خودمان بکنیم: پیشرفت چیست؟ اگر سؤال نکنیم که پیشرفت چیست، پیداست به فکر پیشرفت نیستیم. اساس تحول باید بر ملاحظه عناصر اصلی هویت ملی قرار داده شود، که آرمان‌های اساسی و اصولی مهم‌ترین آن‌هاست. در کنار این‌ها، عشق به معنویت و ارتباط با خدا، مهمترین عاملی است که پیشرفت یک ملت را به معنای واقعی خودش تضمین می‌کند؛ اگر این نشد، همه آنچه که دستاوردهای به معنای عرفی و رایج جهان پیشرفته محسوب می‌شود، ممکن است در راه‌های غلطی مصرف شود. ما تحولی می‌خواهیم که بین پدرها، مادرها، خانواده‌ها، فرزندان، دوستان و همسایگان الفت و محبت بیشتر به وجود آورد؛ همه افراد جامعه نسبت به همدیگر احساس مسئولیت کنند: کُلکم راع و کُلکم مَسْئُول عن رَعیته. آن تحولی که در پیوندها و نظامات اجتماعی به یک چنین حقایقی منتهی بشود، آن پیشرفت است.»^۱

چنانکه مشخص است، در اندیشه مقام معظم رهبری، یک؛ با تحول نباید سینه به سینه شد. دو؛ از تحول باید استقبال کرد. سه؛ نه فقط با تحول نباید دشمنی کرد، که باید از آن استقبال کرد. چهار؛ تحول را باید مدیریت کرد؛ در تحول، دگرگونی به سمت پیشرفت و تعالی را باید در نظر گرفت. تحولی که موجب پسرفت بشود،

^۱ بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸.

تحول بدی است. پنج؛ تحول را با آنارشیسم و ساختارشکنی و هرج و مرج نباید اشتباه گرفت. و بالاخره پایه تحول را بایستی غیر از آن چیزی که امروز معیارهای پیشرفت در دنیا محسوب می شود دانست؛ و معیارهای ویژه جمهوری اسلامی و حرف نو اسلام در زمینه‌های اخلاق، معنویت، معرفت الهی، انسان دوستی و ارتباطات و عواطف بشری را در نظر گرفت و این‌ها را هم بایستی جزو معیارهای پیشرفت دانست. براین اساس، لازم است که گروه‌های جهادی در دام مکر توسعه قرار نگیرند و تحول را همواره با معیارهای پیشرفت مد نظر انقلاب اسلامی پیش ببرند. ایشان سه عنصر مهم را برای پیشرفت ذکر می‌کنند:

«الگوی اسلامی برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی به طور خلاصه یک الگویی است مرکب از ایمان و علم و عدل؛ این سه عنصر اصلی است. ایمان به معنای ایمان توحیدیِ خالص که این ایمان توحیدیِ خالص، هم در ساخت شخصیت انسان‌ها تأثیر می‌گذارد، هم در ساخت جامعه و قواره عمومی جامعه اثر می‌گذارد، و هم در عمل شخصی امتداد دارد، هم در شکل اجتماعی. علم با گستره بی‌انتهای [آن] - هم علم الهی، هم علم طبیعی به آن [معنا] که غربی‌ها هنرشان را در آن نشان دادند، [یعنی] تسخیر طبیعت و تسلط بر طبیعت و مانند این‌ها - جزو چیزهایی است که در اسلام ممدوح است. بعد انسان عروج می‌کند از این مرحله به مراحل بالاتر؛ علم به هویت انسان، علم به عالم ملکوت و علوم الهی برتر از این حرف‌ها. این علم شامل همه این مسائل است. عدل هم به معنای وسیع عدل؛ هم عدالت اقتصادی، هم عدالت قضائی، هم عدالت اجتماعی، [یعنی] عدالت به معنای واقعی کلمه. این، آن چیزی است که امام به ما یاد داده.»^۱

۷. زمانه تحول و جهاد

پابرهنگان، محرومان و کوخ‌نشینان سرمایه‌های حرکت جبهه حق هستند و اگر امروز انقلاب اسلامی در گام دوم حرکت خود، می‌خواهد تمدن‌سازی کرده و نرم‌افزار حرکت آن به پیشرفت و عدالت تغییر پیدا کند و اگر امروز سخن از بازسازی انقلابی ساختارهای فرهنگی به میان می‌آید، اگر امروز تولید و اقتصاد مقاومتی مهم‌ترین ایده انقلاب اسلامی در ساحت اقتصاد است و همچنین در ساخت زیربنا به دنبال اصلاح سبک زندگی است، باید به درستی این ایده انقلاب اسلامی را فهم کرد که این امور محقق نخواهد شد، مگر با محوریت، پیشرانی و نهضت محرومین و این مهم نیز ممکن نخواهد بود مگر با تحول در حرکت‌های جهادی، دولت و نظم اجتماعی. تحول صرفاً با جابجایی نیروهای انسانی رخ نخواهد داد؛ بلکه سه رکن مهم در تحول را باید همواره

^۱ بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت ۱۳۹۹/۰۶/۰۲.

در نظر داشت: الف) تحول انسانی؛ ب) تحول ساختاری؛ ج) تحول نرم‌افزاری. اگر این سه با یکدیگر پیش نروند، صرف جابجایی مدیران - حتی مدیران جهادی - نمی‌تواند منجر به تحول شود.

۸. مدیریت تحول

امروز از منظر مقام معظم رهبری، زمانه تحول است؛ تحول عبارت است از کار نهضتی. لذا با امور عادی و اصلاح و تدبیرهای جاری و روزمره نمی‌توان تحول ایجاد کرد، بلکه باید نهضت ایجاد کرد؛ چنانکه مقام معظم رهبری، خطاب به جهادی‌های فرمودند مأموریت اصلی شما نقش‌آفرینی در به میدان آوردن مردمی است که از جریان محرومیت‌زدایی به دور مانده‌اند. لذا باید به دنبال ایجاد یک حرکت بزرگ در راستای یک تحول بزرگ بود که ابتدا از دورن گروه‌ها و جریان‌های جهادی شروع می‌شود و در نهایت گستره عظیمی از جامعه را در برمی‌گیرد. لکن این تحول نیازمند مدیریت است؛ مقام معظم رهبری نخبگان فکری و فرهنگی جامعه را مسئول مدیریت تحول در جامعه می‌داند:

«باید راه آزاداندیشی و نوآوری و تحول را بازگذاشت، منتها آن را مدیریت کرد تا به ساختار شکنی و شالوده‌شکنی و برهم زدن پایه‌های هویت ملی نینجامد. این کار، مدیریت صحیح لازم دارد. چه کسی باید مدیریت کند؟ نگاه‌ها فوراً می‌رود به سمت دولت و وزارت علوم و...؛ نه، مدیریتش با نخبگان است؛ با خود شماست؛ با اساتید فعال، دانشجوی فعال و مجموعه‌های فعال دانشجویی. حواستان جمع باشد! دنبال حرف نو و پیدا کردن حرف نو حرکت کنید؛ اما مراقب باشید که این حرف نو در کدام جهت دارد حرکت می‌کند؛ در جهت تخریب یا در جهت ترمیم و تکمیل؛ وظیفه‌ی نخبگان فکری و فرهنگی جامعه و حوزه و دانشگاه، مدیریت این تحول است. نه باید تحولات را سرکوب کرد، نه باید تسلیم هر تحولی شد.»^۱

ایشان همچنین در راستای شرح وظایف حلقه‌های میانی که از جنس نخبگان فکری بوده و در بطن جامعه و مرتبط با آحاد مردم نیز هستند، به نقش آن‌ها در فهم مسائل، برنامه‌ریزی و حل آن‌ها اشاره کرده و به میدان آوردن مردم و جهت‌دهی به آن‌ها را از مأموریت‌های ایشان بیان می‌کنند:

«در هر برهه‌ای از زمان راه‌کارهای عملی مورد نیاز است ... بالاخره راه‌کار عملی برای اینکه ما بتوانیم به‌عنوان یک جوان وارد میدان بشویم چیست؟ راه‌کارهای عملی احتیاج دارد به هدایت، تمرکز،

^۱ بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸.

پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتوان این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش برد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه کار، پیدا کردن راهکار، ارائه راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده چه کسی است؟ این به عهده جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده رهبری است، نه به عهده دولت است، نه به عهده دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولان خودمان داریم. این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکل‌های دانشجویی از این قبیل‌اند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها از این قبیل‌اند و هر که در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثرتر است.^۱»

۹. تحولات حکمرانی در جهان و لزوم حکمرانی نوین

امروز کمتر استراتژیست، راهبردان‌دیش، متفکر و پژوهشگاه و اتاق فکری است که به پایان دوران نظم Nation- State^۲ اشاره نکرده باشد. دولت - ملت، نظم سیاسی - اجتماعی است که از حدود ۲۰۰ سال پیش و قرن هجدهم میلادی در دنیا حاکم شده است که طی آن حاکمیتی تحت عنوان دولت متولی تمام امور مردم یک کشور است و این دولت با مردم مناسباتی دارد. این قاعده، چنان امری خلل‌ناپذیر و بدیهی توسط کشورهای غربی به سایر جوامع ارائه شد، که فکر کردن به حالت دیگری از حکمرانی برای ایشان امری غیرممکن جلوه نمود و تبدیل به نظم تثبیت شده‌ای در دنیا گردید. در نتیجه جوامع دیگر بدون آنکه به پدیده‌های اجتماعی که در برگیرنده نحوی از نظم اجتماعی - سیاسی در معنای مدرن بودند عمیقاً فکر کرده باشند، آن‌ها را پذیرفتند. پدیده‌هایی همچون شهرسازی، معماری، بروکراسی، آموزش و پرورش و ... اما امروز بارقه‌ها و نشانه‌هایی از جریان نظم و حکمرانی جدید را می‌توان شاهد بود؛ به‌عنوان مثال، زمانی نه چندان دور، از مهم‌ترین بحث‌های شهرداری، مسائل مربوط به سازمان تاکسیرانی و چگونگی سامان دادن به جریان تاکسیرانی و خدمات آن در شهرها بود اما امروز با پیدایش نرم‌افزارهایی همچون اسنپ، تپسی و ... صحبت از سازمان تاکسیرانی، یک شوخی

^۱ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۰۳/۰۱.

^۲ دولت - ملت: نوع خاصی از دولت ویژه جهان مدرن است که در آن یک دستگاه سیاسی در قلمروی ارضی معینی دارای حق حاکمیت است و می‌تواند این حق را با قدرت نظامی پشتیبانی کند. این ساختار مدرن «ساختار سیاسی دارای حق انحصاری اعمال اقتدار مشروع در سرزمینی مشخص» است. دولت - ملت، پدیده‌ای مدرن است که عقلانی شدن ساختارهای گوناگون اداری، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، آن را از ساختارهای سیاسی پیشین مانند امپراطوری‌ها و حکومت‌های قبیله‌ای متمایز می‌کند.

محض است. همین اتفاق، برای نظام آموزش و پرورش نیز قریب الوقوع و فروپاشی آن در حال تحقق است؛ به نحوی که امروز پس از طی دوران کرونا، می‌توان با آمدن پلتفرم‌های گوناگون آموزشی، از بین رفتن ساختارهای سنتی و مدرک‌گرایی آموزش و پرورش در کشور را نظاره کرد. امروز در ابعاد وسیع بین‌المللی نیز پدیده‌هایی که نشان‌دهنده نحوی از حکمرانی جدید در دنیا هستند، خود را نشان می‌دهند تا آنجا که باید منتظر پدید آمدن کشورها، ملت‌ها و دولت‌ها جدید در دنیا بود. دنیایی که در ۱۰ سال آینده با آن مواجه هستیم نسبت به دنیایی که امروز در آن زیست می‌کنیم دنیای بسیار متفاوتی خواهد بود؛ همانطور که ۱۰ سال پیش که هنوز شبکه‌های اجتماعی آنلاین^۱ با این تنوع و قدرت وجود نداشت با امروز که زندگی اکثر مردم در این شبکه‌های اجتماعی معنا می‌شود، خیلی متفاوت بوده است؛ به نحوی که امروز وقتی از «صله رحم»، «تحصیلات»، «کار تشکیلاتی» سخن به میان می‌آید، بخش قابل توجهی از این امور در شبکه‌های اجتماعی در حال تحقق است و تصور تحقق برخی از این امور همچون کارهای تشکیلاتی بدون استفاده از این شبکه‌ها اساساً امکان‌پذیر نخواهد بود. لذا بسیاری از شاخص‌ها و شیوه‌های رفتار فردی، گروهی، جمعی، تشکیلاتی، کسب‌وکاری و ... دستخوش تغییر شده است. ما در آینده با دنیایی مواجه خواهیم بود که شبیه به همین وضعیت در آن رخ خواهد داد.

۹-۱. تقابل با ایده دولت - ملت

باید به این امر توجه داشت که اساساً ایده انقلاب اسلامی در تقابل با ایده دولت مدرن (state) است؛ تا آنجا که بسیاری از متفکرین آن را تحولی پسامدرن قلمداد کرده و راه برون از سیطره استیت و لویاتان است. لویاتان اشاره به یک هیولا و غول عظیم‌الجثه‌ای است که از دریا سرک می‌کشد و مثل و مانند ندارد. این نام از باب چهل و یکم کتاب ایوب، در تورات گرفته شده است. لویاتان، کتابی است نوشته توماس هابز که اولین شرح جامع درباره دولت جدید و ویژگی‌ها و کارکردهای آن است. تامس هابز در این کتاب می‌گوید انسان در وضعیت طبیعی با خشونت، همسو و همراه است و دست از جنگ و ستیز برنمی‌دارد و به همین دلیل به سرور و رهبری که به او امر و نهی کند (به لویاتان) نیاز دارد و برای پایان دادن به جنگ و خشونت، چاره کار این است که به «دولت قدرتمند» تن دهد و الزاماتش را بپذیرد. هابز در کتاب خود نشان می‌دهد که چگونه ترس از مرگ باعث به وجود آمدن یک قرارداد اجتماعی بین انسان‌ها می‌شود. ساختارها و نظم فعلی دولت مدرن نمی‌توانند ایده دین به منزله

^۱ اصطلاح شبکه‌های اجتماعی یک مفهوم عمومی و بسیار گسترده است که همه انواع شبکه‌های اجتماعی انسانی را در برمی‌گیرد؛ اما شبکه‌های اجتماعی آنلاین یا دیجیتال، به معنای خاصی از آن اشاره دارد که امروز در بستر برنامه‌های کاربردی (اپلیکیشن) همچون اینستاگرام، توئیتر، فیس‌بوک، یوتیوب و ... محقق می‌شود.

امر عمومی را که انقلاب اسلامی مطرح کرد پیش ببرند؛ لذا توان حمل بار انقلاب فرهنگی مردم ایران را ندارند. در این میان، مهم‌ترین اتفاق برای بازسازی ساختارهای فرهنگی، بازگرداندن انقلاب به ساختارهای مردمی و سپردن راهبری امور به مردم است و عمده توفیقات جمهوری اسلامی، زمانی محقق گردیده است که مردم به میدان آمده‌اند. امروز با نشانه‌هایی که دلالت بر کم‌رنگ شدن سیطره دولت مدرن و نظم ملت - دولت به وجود آمده است، این امکان پس از چهل سال، بیش از پیش برای انقلاب اسلامی به وجود آمده است که ایده حکمرانی مردمی خود را محقق کند. ایده‌ای که انقلاب اسلامی آن را ابتدا مطرح لذا باید خیز جدیدی برداشت و حرکت نویی را شروع کرد که با دنیای جدید پیش رو تناسب داشته باشد و پیش‌بری انقلاب اسلامی با شاخص‌های گذشته، امکان‌پذیر نخواهد بود و جریان دیگری برای ادامه این حرکت باید شکل بگیرد. چنانکه پیداست، مقام معظم رهبری در حال پیش‌بری طرحی تمدنی است که در هم‌تنیده با تحول است و مابازای آن تحولی بزرگ را در جریان‌های انقلابی و اجتماعی حکمرانی نوین و نظم اجتماعی باید بتوان رقم زد. در این طرح تحولی، شکل‌گیری حلقه‌های میانی و امت‌های پیشران اهمیت زیادی دارد و این امر نیازمند ایجاد منطق، رویکرد، ادبیات، روایت و شیوه‌های کنش‌گری جدیدی است که حول آن شبکه‌ای از کنشگران شکل گیرد. عرصه‌هایی که جذابیتی برای دولت مدرن ندارند، بهترین نقطه برای فعالیت حلقه‌های میانی و حرکت به سمت تمدن اسلامی است، مانند فعالیت‌های جهادی در مناطق محروم و بررسی مسائل و ارائه راه‌کار برای آن؛ حلقه‌های میانی در مرحله ابتدایی در نقش رخنه‌پوش دولت مدرن عمل می‌کنند اما غایت کار آن‌ها تحول در دولت مدرن و مقتدر است.

۹-۲. افق حاکمیت نوین

وضعیت امروز انقلاب، وضعیتی است که نیازمند یک تکانه، نهضت و جوششی جدید متناسب با دوران جدید برای ادامه مسیر است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این جریان جدید، حرکت تحولی آن است؛ امروز در بسیاری از شاخص‌های پیش‌بری انقلاب اسلامی، نیازمند تحول و دگرگونی گسترده هستیم. امروز در وضعیتی قرار داریم که در آن می‌توانیم به پدیده‌هایی همچون شهر، نظام آموزش، نظام سلامت و ... فکر کنیم. در ۱۰۰ سال پیش شهرها به این شکلی که امروز هستند، وجود نداشت؛ چنانکه نظام آموزشی و نظام سلامت ما در آن زمان با امروز تفاوت‌های اساسی داشته‌اند. اساساً سبک زندگی ما که شهرسازی و معماری، نظام آموزشی، نظام سلامت و ... از شئون آن بوده‌اند، به نحو دیگری بود و ساختار شهری، آموزشی و بهداشتی متفاوتی بر آن حکم فرما بود. به‌عنوان مثال، نظام سلامت در ۱۰۰ سال پیش، به جای درمان، ابتناء بر پیشگیری داشته است و

حکیم صرفاً در مانگر نبوده است؛ بلکه کسی بود که جامعه را به سمتی هدایت می‌کرد که کم‌ترین بیماری در آن وجود داشته باشد و مسأله اصلی عدم شکل‌گیری بیماری در جامعه بوده است و لذا تغذیه اهمیت زیادی داشته است، اما امروز بیمار و دارو رکن اصلی نظام سلامت هستند و ما با پدیده‌ای به نام بیمارستان مواجه هستیم که در گذشته وجود نداشته است. امروز تغذیه جایگاه کلیدی در نظام سلامت ندارد؛ شما می‌توانید هرچه خواستید مثل ساندویچ‌های سرد، نوشابه، فست‌فود و ... بخورید و لذت ببرید اما پس از آن بیمار می‌شوید و باید در بیمارستان درمان می‌شوید. امروز ما در زمانه‌ای هستیم که باید مبتنی بر فهم جدید از این نظامات، به دنبال تحول در آن‌ها از طریق نهضت و تکانه‌های اجتماعی باشیم؛ نهضتی که انگیزه‌ها، عزم‌ها، فکرها و توان‌ها را به میدان آوردن آن‌ها شکوفا و خلاق می‌کند؛ ما در زمانه تحول و قیام هستیم، چراکه ولی امت، به مردم نامه نوشته و با تبیین اینکه عصر و عالم جدیدی در حال رقم خوردن است و ریل حرکت کشور از توسعه به پیشرفت باید تغییر کند و باید تحولی رقم بخورد و چشم امید به جوانان در تحقق آن دارد، به جوانان فرمان داده است که به برپاخیزید و حماسه بیافرید. حلقه‌های میانی در شرایط نظم نوین جهانی را باید ایده میان‌بر انقلاب اسلامی به سمت دولت اسلامی دانست و آن را باید یکی از مهم‌ترین نظریه‌های تحول حکمرانی قلمداد کرد. نظریه جریان حلقه‌های میانی در شرایط کنونی انقلاب اسلامی و جهان، کارکردهای مهمی را متوجه گروهی از مردم به نام حلقه‌های میانی کرده و مبتنی بر آن وظایف و مأموریت‌هایی را بر دوش آن‌ها قرار داده است. نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که کارکرد تحول‌گری حلقه‌های میانی، ایجاد مسیرهای موازی و مطالبه‌گری برای اصلاح ساختارها است و نه کنار زدن، بی‌توجهی و ستیز با ساختارها.

۳-۹. تحول در الگوی حکمرانی

چنانکه ذکر شد غایت کار حلقه‌های میانی را باید تحول در دولت مدرن و مقتدر (state) دانست؛ به نحوی که در نهایت چیزی به نام استیت وجود نخواهد داشت. در این میان، حکومت‌های گوناگون، بسته به اینکه چه مقدار به استیت و دولت مقتدر باور داشته باشند، در مقابل این جریان مقاومت و سرعت آن را کند یا تند خواهند کرد اما در نهایت مبتنی بر ایده حلقه‌های میانی، این حلقه‌ها در موقعیت‌های مختلف آنقدر از خود کارکرد نشان خواهند داد که دولت‌های مقتدر در حداکثری‌ترین حالت اقتدار خود نیز مجبور به پذیرش اثرگذاری آن‌ها شوند. به این دلیلی که وقتی جایگاه مسئولیت از عهده دولت خارج شود، حجم زیادی از اتفاقات و مسائل در میان خود مردم حل و فصل و مسیر مردمی‌سازی دولت حل و فصل خواهد شد. به عنوان مثال، مروری بر حرکت

جهاد سازندگی و کمیته‌های انقلاب که در تجربه آن‌ها میان دولت و مردم برداشته شده بود و یا در حضور همیاران بیماران کرونایی در بیمارستان‌ها و همچنین خدمت‌رسانی گروه‌های جهادی به مناطق سیل‌زده یا زلزله‌زده، نمونه‌ها و نشانه‌هایی از تحول حکمرانی از مسیر حلقه‌های میانی و در هم شکستن مقاومت دولتی را می‌توان نظاره کرد. اساساً ایده مرکزی ناظر به حلقه‌های میانی، تحول حکمرانی انقلاب اسلامی در گام دوم آن، افزایش اختیارات عمومی و آزادسازی ظرفیت‌های مردمی است. در برابر این ایده تحولی به واسطه حلقه‌های میانی، ایده حکمرانی غرب همواره مطرح بوده است؛ ایده‌ای که از طریق بسط حداکثری توسعه تکنولوژی، سبک زندگی را سامان می‌دهد و اقتدار دولت را افزایش و بر مردم حکومت می‌کند. به عبارت بهتر، توسعه تکنولوژی منجر به کاهش اختیارات، آزادی‌های مردم و نادیده گرفتن ظرفیت‌های آن‌ها می‌شود. با توجه به این نکته، اگر حلقه‌های میانی به عنوان پلتفرم‌های پر قدرت اجتماعی در مقابل تکنولوژی که وظیفه‌اش رگولاتوری^۱ است، بتواند هماهنگ‌کنندگی و تنظیم افعال بسیار متنوع را با قدرت بیش‌تری سامان‌دهی کند، می‌تواند نظم حکمرانی غرب را با چالش اساسی مواجه کرده و بر آن فائق شود. یکی از وجوه تمایزدهنده پیشرفت از توسعه به عنوان دو الگوی حکمرانی از یکدیگر را باید در همین امر دانست که یکی به کنترل‌گری مردم و دیگری به سپردن امور به مردم می‌پردازد و در نهایت هر کدام از دو ایده منتج به سبک زندگی متفاوتی می‌شوند. اساساً دوگانه دولت - ملت و امت - امامت در این معنا و مفهوم از نقش مردم خود را نمایان می‌کنند.

۱۰. نظام امامت - ملت

در دوگانه نظام امت - امامت و نظام دولت - ملت، می‌توان ایده اصلی جمهوری اسلامی را نظام امامت - ملت دانست. ریشه این بحث را باید به متولد شدن مفهوم ملیت در ایران با اعلام رسمی تشیع از جانب صفویه برگرداند به نحوی که تشیع و ملیت، دینی بودن و ملیت در ایران مساوق و ملازم یکدیگر شده‌اند؛ دقیقاً از همان حیثی که دینی است، ملی است و از همان حیثی که کلی است، دینی است و کلیت به این نحو در ایران شکل گرفته است و تا پیش از این دوران، مفهومی تحت عنوان ملیت در ایران دارای پیشینه نبوده است. براین اساس، تجربه صفویه یک امکان تاریخی برای جمهوری اسلامی است که بتواند اکثریت قریب به اتفاق آرمان‌ها و ارزش‌های امتی خود را به زبان ملی و منافع ملی ترجمه کند. ادبیات ملیت، دارای لوازمی است که از مهم‌ترین

^۱ Regulatory: کنترل و هدایت‌گری

آن‌ها، نسبت داشتن با ملت‌های دیگر است. از آنجا که به دلیل ولایی بودن انقلاب اسلامی، ایده اصلی حکمرانی در آن ایده امت - امامت است اما آن را از بستر ملت‌های دیگر دنبال می‌کند. در نظام امامت - ملت، حد وسط تفاهم اجتماعی، مبتنی بر منافع ملی است؛ منافی که ملی بودن و دینی بودن را توأمان با یکدیگر جمع کرده است. «ملیت» یک مفهوم تاریخی هویتی است که در غرب با گسست از «هویت دینی» و «امت مسیحی بودن» شکل گرفته است، و در ایران علی‌رغم وجود وحدت و غنای فرهنگی سابق، تبلورش در دوره صفویه و با شکل‌گیری «ایرانیت جدید با مقومیت مذهب تشیع» به وقوع پیوسته است. عدم دقت در این «وضع تاریخی ملیت در ایران» موجب شده است که جریان مذهبی عمدتاً به خاطر پرهیز از افتادن در دام ایده «دولت - ملت مدرن» با مفهوم «ملیت» هم‌مرزبندی کند، در حالیکه در ادبیات مقام معظم رهبری اساساً چنین مرزبندی‌ای نیست و اتفاقاً ایشان با وقوف بر چنین «پشتوانه تاریخی در خصوص ملیت» در ایران، «هویت ملی» را ملاک «تشخیص منافع ملی» معرفی کرده است؛ «هویت ملی» ای که «هویت دینی مقوم اصلی آن است». لکن از چالش‌های مهمی که ذیل مفهوم ملیت و نظام امامت - ملیت در جمهوری اسلامی مشاهده می‌شود، شکل گرفتن دوگانه دولت مردمی در برابر دولت مردم است. در مفهوم دولت مردمی، علی‌رغم اینکه دولت رفتارهای مردمی داشته باشد و مسائل را در میان مردم فهم کند و حقوق مردم را پی‌گیرد، اما امکان مشارکت عمومی مردم وجود ندارد. در صورتی که باید مقید کردن تصمیمات به رعایت حقوق مردم را مقدمه و راهبردی قرار داد برای حضور مردم در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و سپس به سمت اجرای آن‌ها و نظارت بر تحقق آن‌ها پیش رفت؛ چراکه حکومت و دولت‌ها، برای جامعه‌سازی محیط‌بان هستند و شرایط امکان را فراهم می‌کنند. فلسفه تقدم دولت اسلامی بر جامعه اسلامی در منطق حرکت تمدنی انقلاب اسلامی را در همین امر باید دانست. بنابراین اگر راهبردهای دولت برای جامعه امکان‌ساز نباشد، جامعه به آن نحوی که می‌خواهد پیش نمی‌رود. وضعیت فعلی دولت در جمهوری اسلامی، بیش از آنکه ناظر به دولت مردم باشد، ناظر به دولت مردمی است؛ درحالی‌که دولت مردمی به یک بخش عظیمی از حلقه‌های میانی با شاخصه‌های ذکر شده نیاز دارد که این حلقه‌ها در گام اول بتوانند تصمیمات دولت را به رعایت حقوق عامه و مصالح عمومی مقید کنند و در گام بعد در عموم مردم به متشکل‌سازی آن‌ها پردازند. در گام آخر، حلقه‌های میانی باید ظرفیت‌های مردم را به میدان آورده و آن‌ها را در حل مسائل کشور و ملت مشارکت دهند. در این فرآیند است که دولت مردمی می‌تواند زمینه‌ساز شکل گرفتن دولت مردم شود.

۱۱. تحولات قدرت در دنیا و جهان چندقطبی

نشانه‌های بسیاری در دنیا حکایت از این امر دارند که جهان در حال آماده شدن برای یک نظم جدید فوری حول قدرت‌های جدید است. به‌طور کلی با روند رو به افزایش انتقال قدرت از مرکز به حاشیه، سطح و ساختار جهان به طور مداوم تغییر می‌کند. قرار نبود جهان به چنین مسیری کشیده شود. سه دهه پیش، با فروپاشی اتحاد شوروی، به نظر می‌رسید که جهانی شدن، کشورهای گوناگون را به هم پیوند بزند و جوامع به نظم و سامانی برسند و با داد و ستد، اینترنت و درجاتی بالاتر و بالاتر از آرمان‌های سیاسی و اقتصادی به هم گره بخورند. انقلاب سرمایه‌داری چین، امیدواری‌هایی را زنده کرد که حتی این غول کمونیست هم، چنان در سامانه جهانی تحت هدایت دموکراسی غوطه‌ور خواهد شد که علیه آن حرکت نخواهد کرد. با این حال هنگامی که پای به قرن ۲۱ گذاردیم، تنها کسانی که عینک بسیار خوش‌بینانه‌ای داشتند، هنوز هم می‌توانستند انتظار چنین آینده‌ای را داشته باشند چرا که رویارویی سیاسی، ملی‌گرایی اقتصادی و بومی‌گرایی فرهنگی در گوشه کنار جهان سر بر می‌آورد. ما دیگر در یک جهان تک‌قطبی و یا حتی دوقطبی نیستیم. ساختار جهان به سرعت به یک چند قطبی^۱ تبدیل و ظرفیت‌ها بین چندین قدرت ملی و چندملیتی توزیع می‌شود. این جهان چندقطبی لزوماً رقابتی نیست، بلکه به جای آن یک دنیای نسبتاً مشارکتی است. بحران کووید-۱۹ واقعیت اجتناب‌ناپذیر جهانی شدن را به ما نشان داده است، چه در اثرات مثبت و چه در تأثیرات منفی آن. در این شرایط، بی‌تأثیری و یا ناکارآمدی برخی سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان بهداشت جهانی در برابر این همه‌گیری بیشتر اثبات شده است. در این میان مقام معظم رهبری پیرامون خارج شدن جهان از حالت یک قطبی و تغییر نظم سیاسی حاکم بر دنیا بیان داشتند:

«یک نقطه اساسی اینجا وجود دارد که نباید از آن غفلت کرد و آن، این است که امروز، هر روز بیشتر روشن می‌شود که هندسه سیاسی عالم و سطح دنیا در حال تغییر است؛ امروز روزبه‌روز بیشتر واضح می‌شود که نقشه سیاسی دنیا در حال تغییر است. آن مسئله یک‌قطبی بودن و زورگویی کردن یک قدرت - یا دو قدرت؛ فرق - بر کشورها و بر ملت‌ها و مانند این‌ها، مشروعیت خودش را از دست داده؛ یعنی ملت‌ها بیدار شده‌اند. نظام تک‌قطبی مطرود شده است و بتدریج دارد مطرودتر می‌شود. شما امروز در دنیا زیاد می‌شنوید این حرف را از زبان سیاستمدارهای درجه‌ی یک دنیا که نظام تک‌قطبی را قبول نداریم»^۲.

^۱ Multi polarity

^۲ بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران نظام و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۴۰۱/۰۷/۲۲.

۱۲. خصوصیات نظم جدید جهان

به طور خلاصه باید گفت جهان در حال پوست انداختن است و اگر در دوران جنگ سرد جهان دوقطبی پوست انداخت و یک قدرت، قدرت دیگر را بلعید و تبدیل به یک قدرت شد، امروز این جهان یک قطبی پوست می اندازد و تبدیل به جهان پنج یا شش قطبی می شود. در حقیقت این جهان جدید مبارزه میان قدرت هاست. مقام معظم رهبری نیز در بیاناتی به این امر پرداختند:

«نظم کنونی جهان دارد تغییر پیدا می کند و نظم جدیدی بر جهان حاکم خواهد شد. نقش ما ایرانی ها، جایگاه ما ایرانی ها در این نظم جدید چیست؟ این یک سؤال مهم است. حالا این نظم جدیدی که بنده عرض می کنم که نظم کنونی به نظم جدید تغییر پیدا خواهد [کرد]، چیست؟»

۱-۱۲. انزوای آمریکا

رهبر معظم انقلاب، با طرح مختصات و خطوط اساسی تحولات قدرت در دنیای آینده، به جایگاه غرب و شرق اشاره کرده و در این میان به صورت خاص در اولین خصوصیت نظم جدید جهانی، آمریکا را به عنوان کشوری منزوی قلمداد کردند:

«نمی شود به دقت گفت که نظم این چنینی است اما می شود یک خطوطی را ترسیم کرد. یک خطوط اساسی ای هست که مطمئناً این خطوط اساسی در این نظم جدید هست. خط اساسی اول عبارت است از انزوای آمریکا؛ آمریکا در نظم جدید جهانی منزوی خواهد بود. برخلاف آنچه ده بیست سال پیش بوش پدر گفت که امروز تنها قدرت مسلط دنیا آمریکا است؛ بعد از قضیه حمله عراق به کویت و ورود آمریکایی ها و متلاشی کردن حمله ی عراقی ها، [بوش پدر] با غرور تمام - به این مضمون - گفت که امروز همه کاره دنیا آمریکا است؛ در این نظم جدیدی که من می گویم نه، آمریکا دیگر جایگاه مهمی ندارد و منزوی است. خب، پس یکی اینکه آمریکا مجبور می شود دست و پایش را از جهان جمع کند. الان آمریکایی ها در بسیاری از مناطق دنیا پایگاه دارند؛ در منطقه ما، در اروپا، در آسیا، پایگاه های نظامی با جمعیت های زیاد، پولش را هم از خود آن کشور بیچاره ای که در آنجا پایگاه هست می گیرند؛ هزینه هایش را او باید تأمین کند و آمریکایی ها بخورند و آقایی کنند! این دیگر تمام می شود؛ دست و پای آمریکا از حضور در سراسر جهان جمع خواهد شد. این، آن خط اصلی اول، از خطوط اساسی نظم جدید آینده جهان!»^۱

^۱ بیانات در دیدار دانش آموزان ۱۴۰۱/۰۸/۱۱.

۱۲-۲. انتقال قدرت از غرب به شرق

دومین خصوصیت مهم این نظم جدید از منظر مقام معظم رهبری، انتقال قدرت از غرب به شرق در ابعاد مختلف آن اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی است، به نحوی که قاره آسیا به مرکز دانش، اقتصاد، سیاست و قدرت نظامی تبدیل خواهد شد:

«خط اساسی دوّم؛ انتقال قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و حتّی علمی، از غرب به آسیا. امروز قدرت‌های غربی هم اقتدار سیاسی دارند، هم اقتدار علمی دارند، هم اقتدار فرهنگی دارند، هم اقتدار اقتصادی دارند؛ یعنی خیلی چیزها دارند، البتّه تعبیر درست‌ترش این است که بگوییم داشتند، و دارند آرام‌آرام از دست می‌دهند؛ ولی خب [اینها را] سال‌ها داشتند دیگر؛ دو سه قرن غربی‌ها این جور عمل کردند. در این نظم جدید، این حالت از غرب به آسیا منتقل خواهد شد. آسیا خواهد شد مرکز دانش، مرکز اقتصاد، مرکز قدرت سیاسی، مرکز قدرت نظامی؛ ما در آسیایم»^۱.

۱۲-۳. گسترش تفکر و جبهه مقاومت در دنیا

سومین ویژگی مهم که مقام معظم رهبری در ذکر ویژگی‌های نظم جدید عالم به آن پرداخته‌اند، گسترش تفکر و جبهه مقاومت در دنیا و شکستن منطق و نظم ظالم و مظلوم، سلطه‌جو و سلطه‌پذیر است:

«نقطه‌ی سوّم، [یعنی] آن خطّ اساسی سوّم: فکر مقاومت و جبهه مقاومت در مقابل زورگویی گسترش خواهد یافت، که مبتکرش جمهوری اسلامی است. چون اروپایی‌ها از وقتی که انقلاب صنعتی شد و جلو افتادند و استعمار را شروع کردند، مردم دنیا را و کشورهای دنیا را عادت دادند به اینکه سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی دو حصّه متقابل حتمی دنیا است؛ یعنی دنیا تقسیم می‌شود به دولت‌های سلطه‌گر، و قدرت‌ها و دولت‌ها و کشورهای سلطه‌پذیر؛ این [وضع] بوده و این نظام سلطه چند قرن ادامه پیدا کرده. همه قبول داشتند که بایستی سلطه قدرت‌های غربی را قبول کنند، حتّی فرهنگ آن‌ها را قبول کنند، حتّی نام‌گذاری آن‌ها را قبول کنند»^۲.

^۱ همان.

^۲ همان.

۱۳. جایگاه ایران در نظم جدید جهان

از مهم‌ترین پرسش‌ها پیرامون نظم جدید جهان، پرداختن به جایگاه قدرت‌های مطرح در آن است. طبیعتاً از مهم‌ترین قدرت‌های نظم جدید دنیا، باید از کشور ایران و جمهوری اسلامی نام برد و به نقش آن در نظم آتی عالم و نسبتش با سایر قدرت‌ها پرداخت. مقام معظم رهبری در دیدار با دانش‌آموزان، ضمن مطرح کردن پرسش پیرامون جایگاه ایران در نظم جدید دنیا، جوانان و نوجوانان را به آماده کردن خود برای پاسخ به این پرسش‌ها مکلف کردند:

«خب، حالا در این دنیای جدید ایران چه کاره است؟ ایران کجا قرار می‌گیرد؟ جایگاه کشور عزیز ما کجا است؟ این، آن چیزی است که باید شما روی آن فکر کنید؛ این، آن چیزی است که باید شما خودتان را برایش آماده کنید؛ این آن چیزی است که جوان ایرانی می‌تواند انجام بدهد»^۱.

کشور ایران در این میان از ویژگی‌ها و خصوصیات برخوردار است که توقع نقش‌آفرینی مؤثر در نظم جدید، امر دور از انتظاری نیست. این ویژگی‌ها در بیانات مقام معظم رهبری به نحو زیر می‌باشد.

۱-۱۳. نیروی انسانی مستعد

«ما می‌توانیم در این نظم جدید یک جایگاه برجسته‌ای داشته باشیم؛ می‌توانیم. چرا؟ برای خاطر اینکه کشور ما یک خصوصیات برجسته‌ای دارد که خیلی از کشورهای دیگر ندارند. اولاً نیروی انسانی؛ ما نیروی انسانی بسیار خوبی داریم؛ یعنی هوش و استعداد جوان ایرانی از متوسط هوش و استعداد دنیا بالاتر است؛ این هست. ما امروز داریم برکات هوش و استعداد جوان متولد دهه شصت و هفتاد را جلوی چشم خودمان می‌بینیم. الان جوان‌هایی و این کسانی که امروز در بخش‌های علمی گوناگون، بخش‌های فناوری گوناگون دارند نوآوری می‌کنند، دارند تازه‌سازی می‌کنند — در بخش‌های مختلف، بخش‌های مختلف علمی — در بعضی از بخش‌ها کشور را جزو چهار پنج کشور اول دنیا قرار می‌دهند، همان متولدین دهه ۶۰ و دهه ۷۰ و مانند این‌ها هستند؛ امروز به ثمر رسیده‌اند؛ و ان‌شاءالله ملت ایران برکات متولدین دهه ۸۰ را — که اغلب شماها باشید — و دهه ۹۰ را هم در آینده خواهد دید. خب حالا البته مزاحمت‌هایی هم وجود خواهد داشت، مشکلاتی هم وجود دارد که اینها می‌تواند مانع بشود. خب پس بنابراین اولین امتیاز ما، امتیاز نیروی انسانی است»^۲.

^۱ همان.

^۲ همان.

۱۳-۲. تنوع منابع طبیعی

« امتیاز دوّم، نیروهای طبیعت، طبیعت کشور؛ ما در کشور منابعی داریم که تنوع منابع طبیعی در کشور ما جزو کم‌نظیرترین تنوع‌ها در دنیا است. من یک وقتی اینجا در همین حسینیه در یک سخنرانی^۱ — الان آمارش را یادم نیست، آن روز مطالعه کرده بودم یادم بود — گفتم که در این چند فلز اساسی لازم برای صنعت، ما خودمان یک درصد جمعیت دنیا هستیم، یک درصدیم اما این چند فلز در کشور ما چهار درصد، پنج درصد موجودی دنیا است؛ یعنی ما بیشتر از اندازه‌ی ملت خودمان منابع طبیعی‌مان سرشارند. حالا من فلزها را گفتم، گیاهان هم همین جورند، گیاهان دارویی هم همین جورند، معادن هم همین جورند؛ از این جهت ما خیلی ثروتمندیم»^۲.

۱۳-۳. موقعیت جغرافیایی

« کشور ما، هم از لحاظ نیروی انسانی امتیاز دارد، هم از لحاظ نیروهای طبیعی امتیاز دارد، هم از لحاظ موقعیت جغرافیایی؛ ما چهارراه ارتباطات شرق و غرب و شمال و جنوبیم. شما روی نقشه نگاه کنید، نقشه دنیا را بگذارید نگاه کنید؛ ما در یک نقطه حسّاس هستیم. شرق و غرب از ما می‌توانند عبور کنند؛ شمال و جنوب هم از ما می‌توانند عبور کنند. ما یک معبر ترانزیت بسیار پیشرفته و خوبی می‌توانیم در دنیا باشیم»^۳.

۱۳-۴. منطق حکومتی و تمدنی

«از همه این چند امتیاز مهم‌تر، منطق حکومتی و تمدنی ما است که همان جمهوری اسلامی است. ما جمع کردیم بین جمهوری و بین اسلامی؛ جمع کردیم بین حضور مردم و آراء مردم و معارف الهی؛ جمع بین این دو کار آسانی نیست، [ولی] ما این کار را به توفیق الهی انجام دادیم. البته نقص‌هایی داریم. من هیچ وقت ادعا نمی‌کنم در این زمینه‌ها نقص نداریم؛ نه، نقص‌هایی داریم اما حرف، منطق، یک منطق جدیدی است در دنیا»^۴.

^۱ بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۹۷/۰۳/۰۲.

^۲ بیانات در دیدار دانش‌آموزان ۱۴۰۱/۰۸/۱۱.

^۳ همان.

^۴ همان.